

از افق برآمد مهر ظفر	تابنده بنگر خورشید ما
از پرتو رخشان ما	شام سیه گریزان شد
از چهره ی تابان ما	فجر ظفر درخشان شد
از افق برآمد مهر ظفر	تابنده بنگر خورشید ما
توای گرفته راه اولیاء	زما و من بگذر به راه عشق
که از کرم نور خدا دمید	ز شام ما صبح صفا دمید
به مروه بنگر با صفای نور	به سعی جان رو در هوای او
به پرده ی شوق با صفای دل	به نغمه پرداز بانوای او
خدایان در این سفر	لوای حق به دستتان
ز نور حق به سر رسید	شب سیه غم نهان
سفر ز خود کن در پناه ایمان	زما و من بگذر به راه عشق
از افق برآمد مهر ظفر	تابنده بنگر خورشید ما
از پرتو رخشان ما	شام سیه گریزان شد
از چهره ی تابان ما	فجر ظفر درخشان شد
از افق برآمد مهر ظفر	تابنده بنگر خورشید ما